

نژادپرستی پنهان « هند »

نظام باستانی «کاست» (سلسله مراتب نژادی) هند هنوز به قوت خود باقی است و باعث تبعیضی میلیون ها نفر و نقض حقوق بشر می شود. با آن که قوانینی که دولت وضع کرده خبر از تحول می دهد اما طرز تلقی ها خیلی جان سخت است.

گوبال گورو» به همراه «شیراز سیدوا»

گوبال گورو» استر رفته مطالعات سیاسی دانشگاه «پنجه» و عضو هیئت علمی مرکز مطالعات جوامع در حال توسعه در دهلی؛ شیراز سیدوا» روزنامه نگار پاریس.



زبانگوان جهانیان در شهر بمبئی، یک شغل در لحاظ دینی ناپاک»

قرن ها «جنس های» روستای «پالاد» (روستایی معمولی در احمدآباد در غرب هند) به جایگاه اجتماعی خوش واقف بوده اند. بسیاری از آنها با دست زباله جمع می کنند، دستنویس خانه های روستائیان طبقات بالای اجتماعی را تمیز می کنند یا در ازای یک مشت برنج در روز، به سختی در مزارع کار می کنند. «راجش» که حدود نوزده سال سن دارد می گوید: «از همان روزی که متولد شده ام فهمیده ام که باید خود از آنها (افراد طبقات اجتماعی بالاتر) دور نگاهدارم. در فیهو خانه ها، اسکان های ما از اسکان های آنها جنس است. از ما خواسته می شود خودمان این اسکان ها را که بسیار کثیف است تمیز کنیم. چون اجازه نداریم از شیر آبی که اعضای آن طبقه در روستا استفاده می کنند آب بچربیم، باید برای بردن آب به خانه ای خود بازنده دقیقه راه برویم. به ما اجازه ورود به معابد داده نمی شود و هنگامی که به مدرسه رفتیم من و دوستانم مجبور شدیم خارج از کلاس بنشینیم... بچه های طبقات بالا حتی اجازه نمی دادند به توپ که آنها با آن بازی می کردند دست بزنیم... ما مجبور بودیم بجای توپ با سنگ بازی کنیم.»

بیش از ۱۶۰ میلیون نفر از مردم هند که یک ششم جمعیت این کشور را تشکیل می دهند همچنان قربانی نظام طبقاتی دوهزار ساله «کاست» هستند که از الهیات هندو مشروعت می گیرد و بر اساس آن آدم ها بسته به این که در چه طبقاتی متولد شده باشند نقش غیر قابل تغییری در جامعه آنها می کنند.

قوانینی متناسب با خواست طبقات فرادست

اگرچه در سال ۱۹۵۰ طبق قانون اساسی هند، واژه «جنس ها» کنار گذاشته شد، اما علیه «مردم ستم دیده» یا «تالیات ها» (هراتی که هم اکنون برای اشاره به این افراد استفاده می شود) هنوز هم تبعیض اعمال می گردد. آنها حتی مالکیت بر زمین ندارند، مجبورند در شرایطی نامناسب با خوارگی کار کنند و معمولاً از سوی پلیس و گروه های طبقات فرادست که از حمایت دولت برخوردارند مورد سوء استفاده قرار می گیرند. با آن که هند سعی کرده از طریق اقدام عملی (۱) نظیر برقراری سهمیه برای آموزش، مشاغل دولتی و نهادهای سیاسی، بر تبعیض و رفتارهای غیر عادلانه غلبه کند اما این سیاست ها تنها به نفع تعداد اندکی بوده است. «آخرین منصف در کشور بمبئی متعصب تشریفاتی ریاست جمهوری هم اکنون در اختیار یک

هیچ تفاوتی میان
اقتضای مختلف آدمیان
وجود ندارد.
اصل و نسب همه
جهانیان بهشتی
است.
تمها بهاراتا» شعر
حماسی باستانی
سانسکریت

«کاست» (قلمی، آری، نارایان) است. اما تمام نگرانی ها و درس های نظام طبقاتی «کاست» هندوستان هنوز گریبانگیر مردم عادی است؛ تلاش ها برای از میان بردن این نظام سفت و سخت اجتماعی، همواره به خشونت و اقدامات تلافی جویانه اقتصادی منجر شده است.

نظام طبقاتی «کاست» در هند که شاید دیرینه ترین نظام سلسله مراتب اجتماعی موجود در جهان باشد، نوعی طبقه بندی پیچیده از گروه ها و اقشار اجتماعی است که بر پایه دینی استوار است. این نظام که نئوین آن به «هاتوی قانونگذار نسبت داده می شود، حدود دوهزار سال پیش در حارما شاسترا» از اراکان دین (هندو) توصیف شد.

طبق آموزه های «هاتو» هر کسی در یکی از چهار گروه بزرگ اجتماعی متولد می شود و باید تا پایان عمر در همان گروه یا «کاست» باقی بماند. البته رتبه این یا آن «کاست» نسبت به دیگر «کاست» ها ممکن است در طول زمان و در مناطق مختلف تغییر کند. به ترتیب اولویت «هرمن ها» روحانی و معلم هستند و بر دانش و تعلیم و تربیت نظارت دارند؛ «کشایاها» فرمانروا و سرباز هستند؛ «وایشیایاها» بازرگان و تاجرانند و «تودراها» دهقان و کارگر و صنعتگر هستند. «جنس ها» در پنجمین گروه و در واقع در خارج از چهار گروه اصلی قرار می گیرند و اغلب عهددار

و ظایفی هستند که این وظایف از لحاظ آئینی «نپاک» از آن است که در چارچوب نظام چهارگانه سنتی قرار گیرد، واضح است که این تمایز طبقاتی نوعی ساختاری عقیدتی بود که طبقات فرادست آن را ایجاد کردند تا به کمک آن کنترل انحصاری خود را بر سرمایه‌های فرهنگی (علم و آموزش)، سرمایه‌های اجتماعی (سلطه‌ی اجتماعی و پندرسالارانه)، سرمایه‌های سیاسی (قدرت)، و سرمایه‌ی مادی (ثروت) ایجاد و حفظ کنند.

تنها یک «کاست»
وجود دارد:
«کاست» بشری.
«پامپا» شاعر و
نویسنده هندی قرن
نهم

طبقه فرادست که در خدمت اوست دست بزند و او را مثلاً ماساژ دهد. همچنین مردان طبقه‌ی فرادست می‌توانند بدون هیچ مشکلی به یک زن «تالیت» تجاوز کنند یا با روسپی‌های طبقه فرودست رابطه داشته باشند. این در حالی است که اگر در خیابان به طور اتفاقی آنها را لمس کنند توهین به مقدسات شمرده می‌شود.

یکی از مهم‌ترین دلایل بقای نظام «کاست» این است که



یک زن در مناطق طبقاتی نجس‌های هند، در منطقه‌ای روستایی هزاران جمع می‌کند.

خود طبقات فرودست نیز این سلسله مراتب اجتماعی را مشروع می‌شمارند. اعضای هر «کاست» یا تقلید از ارزش‌های فرهنگی «کاست‌های» فرادست و تبعیض علیه «کاست‌های» فرودست به این نظام سلسله‌مراتبی قوت می‌بخشد. جامعه‌شناس‌ها می‌گویند در این پنج گروه اصلی بیش از دو هزار «خرده‌کاست» وجود دارد. به این گروه‌ها «ججیس» می‌گویند که در واقع گروه‌هایی هستند که در درون خود از نواحی می‌کنند و بیشتر بر پایه اشتراک زبانی، فرهنگی یا منطقه‌ای تقسیم می‌شوند. حتی «تالیت‌ها» که خارج از «کاست‌های» اصلی هستند، خود به «خرده‌کاست‌های» متعدد تقسیم‌بندی می‌شوند. این تکتک «کاست‌ها» زمین‌ساز نوعی تبعیض افقی و عمودی است و روابط اجتماعی را سخت‌سخت‌تر و غیرمنصفانه‌تر می‌سازد. مشکل «ججیس‌های» هند و موارد متعدد نقض حقوق بشر علیه آنها، مایه‌ی ناآرامی‌های اجتماعی گزرا می‌شود و بدین ترتیب حکومت زیر فشار چنانچه برای مهندسی اجتماعی کلان قرار ندارد. به همین دلیل است که انتقالی از گروه‌های «تالیت» و مبارزان حقوق بشر، به سختی کشیده‌اند تا معضل خود را به عنوان یک معضل نژادپرستانه در «سناتور کار کنفرانس جهانی سازمان ملل در زمینه نژادپرستی» قرار دهند.

حقوق «تالیت‌ها» می‌گویند. نظام کاست نژادپرستی پنهان هند

این قواعد گاه زیباتر بودند و قوانین برای انطباق با منافع طبقات فرادست تغییر می‌یافت. برای مثال در شمال هند، «ججیس‌ها» مجبور بودند برای اعلام ورود خود از طبل استفاده کنند و حتی تصور می‌شد سایه‌ی آن‌ها آلوده‌کننده است. در جنوب هند نیز «برهمن‌ها» مقرر کرده بودند که «کاست‌های» فرودست باید دست‌کم ۲۲ متر از آنها فاصله بگیرند تا موجب آلودگی ایشان نشوند.

با این حال، این تبعیض طبقاتی، نوعی تازکرد عملی نیز داشت. «ججیس‌ها» با آن که از آموزش و کتب‌های «برهمن‌ها» محروم بودند اما اجازه داشتند در زمینه‌هایی که به آنها مربوط می‌شد مثلاً در زمینه کشاورزی یا قابلیت دانش و مهارت کسب کنند. البته نکته اینجا بود که این دانش‌اندوزی فقط به این خاطر که به نفع طبقات فرادست بود، مجاز شمرده می‌شد.

آیا این نوعی نژادپرستی است؟

هنوز هم اغلب از «کاست» به عنوان پوششی برای اقدامات استثمارگرانه‌ی اقتصادی استفاده می‌شود. حتی در حال حاضر، به اکثر «تالیت‌ها» اجازه داده نمی‌شود از خط ناسری «آلودگی» که محل اسکان آنها را در روستا از محل اسکان طبقات فرادست سلبانی. آلوده‌کننده محسوب می‌شود اجازه دارد به بدن زنی از

نهایی نژاد می‌توان نتیجه گرفت که این آمار تنها بخش کوچکی از کل بزهکاری‌ها و ستم‌ها را نشان می‌دهد.

حدود دو سوم «تالیته» بی‌سواد و نیمی از آنان کارگران فاقد زمین کشاورزی هستند. تنها هفت درصد آنان به آب سالم آشامیدنی، برق و دستشویی دسترسی دارند. بخش بزرگی از حدود چهل میلیون بیکار هندی (کارگرانی که بدون دستمزد همچون بردگان برای پاپیسی داندن بدهی خود کار می‌کنند) از جمله پانزده میلیون کودک «تالیته» هستند.

در سال ۱۹۹۸ گروه‌های حقوق بشر در هشت ایالت هند مبارزهای ملی را به هدف نشان دادن نقض حقوق بشر نسبت به «تالیته‌ها» آغاز کردند. همچنین سازمان‌هایی نظیر «دیدهان حقوق بشر» موضوع «کاست‌ها» را برای نخستین بار در سطح بین‌المللی مطرح کردند. درست است که برخی «تالیته‌ها» بر ضد ستم و تبعیض که بر ایشان روا داشته می‌شود دست به مبارزهای مسلحانه زده‌اند اما این مبارزات همواره توسط گروه‌های شبه نظامی «کاست‌های» سرکوب، نظیر گروه شبه‌نظامی فرانیر سنا در استان «بهار» سرکوب شده است. این گروه عامل برخی قتل‌عام‌های دهقانان و کارگران قهر و بی‌زمین «تالیته» محسوب می‌شود.

«مکوان» قبول دارد که کنجاندن تبعیض «کاستی» در قطعه‌های نهایی کنفرانس سازمان ملل فقط یک پیروزی نمادین است که چیزی را در واقعیت تغییر نمی‌دهد. او می‌گوید: «تنها راه‌حل، تغییر افکار مردم است.»



مردمان فریبناگه: خشونت طبقاتی بر ضد نخبه‌های هند منتشر شد. کنفرانس سازمان دیدهان حقوق بشر در مارس ۱۹۹۹. www.hrw.org

دیگر مبارزان، بر ضد تبعیض‌های غیررسمی که از جانب صاحبان ثروت به نگاه‌های املاک و معاملات شرکت‌ها نسبت به فقور کومین‌ها روا داشته می‌شود مبارزه می‌کنند. وی می‌گوید: «بسیاری از زاینی‌ها قبل از اجازه دادن ملک خود درباره مستاجر تحقیق می‌کنند تا ببینند آیا یک «هوراکومین» باشد، اگر معلوم شود که او یک «هوراکومین» است یا خود بگوید که چنین است و وضع بسیار دشوار می‌شود. مردم می‌گویند اگر آدم ملک خود را به یک «هوراکومین» اجازه دهد بدشمنی می‌آورد.»

در زاین امروز، «هوراکومین‌ها» از لحاظ اجتماعی نیز به حاشیه رانده شده‌اند. یکی از وکلای مبارز بر ضد تبعیض دیرینه‌ی حقوق و دستمزد حاکم بر شرکت‌های بزرگ می‌گوید: «تدریجاً ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بخش عمده‌ی کارگران فعال در بخش ساخت‌وساز می‌گویند: «هوراکومین» بودند و اکنون آنها نخستین قربانی بحران اقتصادی هستند.»

و صنعت «هوراکومین» بودند و اکنون آنها نخستین قربانی بحران اقتصادی هستند.» تمرکز آنها در مناطق نظیر «هوراکا» و «کوتو» (بایست قدیمی زاین) پاک کردن این انگ را برای آنها آسانتر می‌کند که این بسیاری از آنها را تشویق می‌کند که خانسدها اجتماعی خود را انکار کنند. برای مثال «هورومو نوناکا» یکی از سیاستمداران برنوف حزب حاکم لیرال دمکرات، همواره رابطه‌ی خود با «هوراکومین‌ها» را تکذیب کرده است.

بدر آن که برخی خانواده‌های بزرگوار زاینی بطور غیرقانونی به بررسی اصل و نسب همسران آینده فرزندان خود می‌پردازند تا به قبل خودشان «جنوی اولدی خانلوه» را بگیرند. آنها موسسات تخصص در تبارشناسی را به خدمت می‌گیرند تا «هورتی» (شجره‌های خانوادگی) قدیمی را (غالباً با رضایت ضمنی مقامات محلی) مورد جستجو قرار دهند.

فریچارد ورنلی، روزنامه‌نگار فرانسوی مخیم زاین

است. به اعتقاد او این تبعیض طبقاتی همانند نژادپرستی، بر تبعیض همجنسیتی بر تبار «استوار» است.

درخواست این ائتلاف مایه بحث‌وجدل‌های ملی شده است؛ بحث بر سر این که ماهیت تبعیض «کاستی» چیست و این که آیا کشور‌های دیگر اجازه دارند در موضوعی که دولت هند آن را یک موضوع داخلی می‌شمارد مداخله کنند.

دولت هند با این استدلال که «کاست» و تبار هم معنا نیستند با مطرح شدن موضوع «کاست» در دستور کار کنفرانس سازمان ملل در زمینه نژادپرستی مخالفت کرده است. «سولی سوربوجی» دانشان کل هند و یکی از اعضای کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض سازمان ملل می‌گوید: «کاست و تبار دو مفهوم مجزا هستند. هند که از بزرگ‌ترین مخالفان تبعیض نژادی است ادعا می‌کند تمام اقدامات ممکن را برای رفع بی‌عدالتی‌ها نسبت به کاست‌های پایین جامعه انجام داده است. یک پنجم کرسی‌های پارلمان به اعضای «کاست‌های فقیرست‌بندی شده» «تالیته‌ها» در اصطلاح رسمی اختصاص داده شده است و برخی استان‌ها توسط احزاب قدرتمند سیاسی مؤلف با کاست‌های فرودست اداره می‌شود.

مبارزه برای زدودن انگ نژادپرستی

اما اختصاص سهمیه و فرصت شغلی نیز نتوانسته برای مردم طبقات فرودست برابری کرامت یا حتی امنیت به وجود آورد. این بدنامی اجتماعی در روستاها، قوی‌تر از آنست که بتوان تنها با قانون آن را از بین برد. آمار رسمی بسیار گویا هستند: بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ سالانه بطور متوسط ۲۶ هزار مورد بزهکاری و ستم علیه طبقات فرودست ثبت شده است. با توجه به این که پلیس غالباً حتی به ثبت شکایات علیه طبقات فرودست

دیور کومین‌ها؛ رانده‌شدگان نامرئی زاین

آنداموتو «ماسایاها» که در دانشگاه «کوتو» تاریخ معاصر تدریس می‌کند می‌گوید: «هیکنست بوفن یافت اجتماعی زاین توهمی بیش نیست. جامعه‌ی زاین هنوز بر یک نظام طبقاتی نامرئی مبتنی بر کاست استوار است و ما به عنوان «هوراکومین» در پایین‌ترین رتبه این نظام قرار داریم.» «ماسایاها» ضمن تدریس در دانشگاه در دفاع از «هوراکومین‌ها» (یا «تاندین‌ها» که می‌توان آن را «تاندین پلیریا آلوده» ترجمه کرد) مبارزه می‌کند؛ طیفی که جامعه زاین کماکان از آن دوری می‌جویند. «هوراکومین‌ها» نام دیگری برای «هوراکومین‌ها» (ها) تا نیمی دوم قرن نوزدهم اقلیت «جنسی» شمرده می‌شدند. شمار «هوراکومین‌ها» زاین (کشوری که ۱۲۶ میلیون نفر جمعیت دارد) حدود دویست میلیون نفر است که در پنج هزار «کوتو» زندگی می‌کنند. این «کوتوها» نتیجه مستقیم سیاست رسمی طرد این گروه است که در سال ۱۸۷۲، در آغاز دوره‌ی «هیج» که زاین به سرعت به سوی صنعتی شدن پیش می‌رفته به پادان رسید.

در آن زمان، واژه‌ی «هوراکومین» به کسانی اطلاق می‌شد که بیشتر در کشتارگاه‌ها و دیاقی‌ها، سردخانه‌ها و مراکز کشتن اسب‌ها کار می‌کردند. این افراد می‌دانند که با چند هفتاد و نه ساله سرورناتر، شغل‌هایی که طبق این باسناسی «ضشتونی» زاین ناپاک هستند.

تبعیض‌های رسمی نسبت به «هوراکومین‌ها» مدت‌هاست که در میان رفته است. مقامات می‌گویند امروزه اعضای این «کاست» نامرئی، در مقایسه با دیگر زاینی‌ها از حقوق قانونی یکسانی برخوردارند. آنها همان خصوصیات ظاهری را دارند که دیگران دارند به همان زبان سخن می‌گویند که دیگران می‌گویند و همان ملحق را دارند که دیگران دارند. اما همیشه قانون با آنچه بر ذهن مردم حاکم است یکی نیست. «ماسایاها» و